

طرح پیشنهادی بیانیه سیاسی

جنبش جمهوری خواهان دموکرات و لائیک ایران

بیانیه سیاسی گردهمایی سراسری پنجم

نه به جمهوری اسلامی!

برای ایرانی آزاد و دموکراتیک!

۱- برای جهانی دیگر

جهان کنونی ما، جهانی پر تعارض و تضاد است. با دنیای استعماری سده‌ی نوزده و یا جهان دو ابرقدرتی سده‌ی بیستم در بسی جهات متفاوت است. از شرق آسیا تا جنوب قاره آمریکا، دولت‌های کشورهای چین، هند و برزیل به جرگه‌ی قدرت‌های بزرگ وارد شده و می‌شوند. قدرت‌های بزرگ سنتی چون ایالات متحده آمریکا و اروپای غربی، گرچه از جهت اقتصادی، سیاسی و نظامی همواره بر جهان اعمال نفوذ و قدرت می‌کنند، اما سیادت تاریخی پیشین‌شان به چالش کشیده شده است. از سوی دیگر، کشورهای متوسط و کوچک بیش از پیش در راستای منافع و اقتدار خود در منطقه و جهان ایفای نقش و قدرت می‌کنند. از این‌رو ما امروز با پدیدارِ نوین جهانی چند قطبی- قدرتی رو به رو هستیم.

امروزه، جهانی‌شدن به‌ویژه در حوزه اقتصادی تبدیل به واقعیتی انکارناپذیر شده است. جهانی شدن کنونی، اما، خصلتی نا عادلانه برای بشریت دارد زیرا که به رهبری قدرت‌های بزرگ مالی و اقتصادی جهان در جهت اقتدار و منافع اقلیتی کوچک ادرصدی، بدون مشارکت و مداخله‌ی دموکراتیک اکثریت عظیم 99 درصدی مردم انجام می‌پذیرد. در تغییر چنین وضعیتی اما، جنبش‌های اجتماعی برای جهانی شدنی دگر،

هر چند هنوز ناتوان، ناهماهنگ و نامتشکل، در حال شکل‌گیری در گستره‌ی گیتی‌اند. این جنبش‌ها برای تغییر مناسبات حاکم کنونی بر جهان و در جهت تغییر آن‌ها، برای عدالت، برابری و بهزیستی مردمان جهان، برای مشارکت شهروندان جهان در تعیین سرنوشت خود بدون سلطه‌ی قدرت‌های بزرگ مالی و دولتی و سرانجام برای پاسداری از محیط زیستی که در حال نابودی است تلاش و پیکار می‌کنند.

در دو سال گذشته، دو رویداد جنبشی بزرگ و متداوم جهان و جهانیان را تکان دادند. یکی، جنبش‌های اعتراضی برآشفتگان اروپا و آمریکا بر علیه نظم اقتصادی حاکم بر جهان غرب بود و دیگری، جنبش‌های مردم در برخی کشورهای عربی بر ضد دیکتاتورهای دیرینه‌ی شان. در حالی که اولی، در برابر چالش‌های بزرگ و بغرنج، از پویایی و فرایندی عدالت جویانه برخوردار است، دومی، با رشد میلیتاریسم و اسلام‌گرایی سیاسی در منطقه در کنار رشد فرایندهای دمکراتیک، با موقعیتی مخاطره‌انگیز و متضاد روبرو است. امروز سرنوشت مبارزه برای آزادی و دموکراسی در کشورهای عربی، به‌ویژه در تونس و مصر، اکنون با فرجام رویارویی و مبارزه نیروهای لائیک این کشورها با اسلام‌گرایی و دفاع بی‌وقفه آن‌ها از آزادی، دموکراسی و جدایی دولت و دین و همچنین از برابر حقوقی به‌ویژه برابری زنان و مردان گره خورده است.

ما در جنبش جمهوریخواهان دموکرات و لائیک ایران همبستگی مبارزاتی خود را با جنبش برآشفتگان گیتی علیه بی‌عدالتی‌ها و برای جهانی دگر بر پایه برابری، عدالت، بهزیستی و حفظ محیط زیست اعلام می‌داریم.

ما همچنین همبستگی خود را با جنبش‌های عربی از جمله در مصر و تونس در راستای آزادی، دموکراسی و جدایی دولت و دین اعلام می‌داریم. چه آن جنبش‌هایی که چون در مصر و تونس بر دیکتاتورهای سابق خود چیره شدند ولی امروزه با خطر جدید استبداد دینی رو به رویند و چه آن‌ها که، چون در سوریه، در راه مبارزه با استبداد حاکم در برابر چالش‌هایی سخت، هم داخلی و هم خارجی، قرار دارند. ما بر این باوریم که مبارزه‌ی نیروهای لائیک یا سکولار برای جدایی دولت و دین و دموکراسی در کشورهای عربی، به‌ویژه امروز در مصر و تونس، برای جلوگیری از بازتولید استبداد به صورتی دیگر و این‌بار دینی-اسلامی، از اهمیتی به‌سزا و تعیین‌کننده هم برای آنان و هم برای جهانیان برخوردار است.

جنبش جمهوری خواهان دموکرات و لائیک ایران توجه مردم آزادیخواه عرب را به تجربیات انقلاب سال ۱۳۵۷ ایران و فرجام اسف بار آن جلب کرده و بر این باور است که بدون تغییرات ساختاری، اجرای حقوق بشر به ویژه برابری حقوقی زنان و مردان و جدایی دولت و دین و ایستادگی در برابر تلاش اسلام گرایان برای گسترش نفوذ دین در دستگاه دولتی، قضایی و قانون گذاری، فرایند دموکراتیک می‌تواند عقیم مانده و به شکست انجامد.

ما بر این باوریم که مبارزات آزادیخواهانه مردم سوریه برای سرنگون کردن رژیم دیکتاتوری بشار اسد باید به دست خود آنان و بدون دخالت و نفوذ قدرتهای خارجی به سرانجام رسند.

ما در جنبش جمهوری خواهان دموکرات و لائیک ایران، در عین حال، سیاست‌های مداخله‌جویانه، سرکوب‌گرانه و تروریستی جمهوری اسلامی ایران در حمایت نظامی و سیاسی... از رژیم سوریه و از دیگر گروه‌ها و سازمان‌های بنیادگرای اسلامی در منطقه از جمله در جنوب لبنان و فلسطین را به شدت محکوم می‌کنیم.

جنبش جمهوری خواهان دموکرات و لائیک ایران درود و شادمانی خود را نسبت به پیروزی مردم فلسطین در سازمان ملل در ۲۹ نوامبر ۲۰۱۲ که بنا بر آن فلسطین به عنوان دولت ناظر غیر عضو سازمان ملل به رسمیت شناخته شد، ابراز می‌دارد. از این رویداد تاریخی باید به منزله ثبت گواهی تولدی نوین برای فلسطین در راه به رسمیت شناخته شدن کامل دولت فلسطینی در کنار دولت اسرائیل یاد کرد. ما در جنبش جمهوری خواهان دموکرات و لائیک ایران همواره از مبارزات مردم فلسطین و همچنین از مبارزات اپوزیسیون مترقی و مردم صلح‌طلب اسرائیل در جهت برقراری صلحی پایدار در منطقه بر پایه همزیستی دو دولت مستقل فلسطینی و اسرائیلی و حل مسالمت‌آمیز، عادلانه و دموکراتیک اختلافات میان آنها، جانبداری کرده و می‌کنیم.

۲- برای اعتلای جنبش‌های اجتماعی در ایران

امروزه، با گذشت بیش از سه سال از **[آلترنا تیو 1 : جنبش اعتراضی عمومی خرداد ۸۸]** **[آلترنا تیو 2: جنبش سبز]**، مبارزات سیاسی، اجتماعی و مدنی در ایران در مجموع فروکش کرده‌اند. با این حال اما شاهد مقاومت‌ها و مبارزاتی هم از سوی کارگران برای دفاع از حقوق خود در برابر بیکاری، اخراج و عدم پرداخت حقوق‌ها و هم از سوی کنشگران

جامعه‌ی مدنی در دفاع از حقوق بشر و آزادی‌ها در ایران با به خطر انداختن جان خود در این راه می‌باشیم.

ریشه‌های این رکود جنبشی و مبارزاتی را البته نباید تنها در سرکوب سبانه‌ی رژیم، دستگیری‌های گسترده در میان دانشجویان، زنان، کارگران، روشنفکران، روزنامه‌نگاران، اقلیت‌های ملی و قومی، گروه‌های اپوزیسیون، کنشگران مدنی و اینترنتی... که به خروج تعداد زیادی از فعالان این جنبش‌ها به خارج از کشور انجامیده است پیدا کرد. به طور کلی وخامت اوضاع اقتصادی کشور، بیکاری، گرانی و گرفتاری روزمره برای گذران زندگی در نزد بخش‌های وسیعی از مردم، تهدید و ارباب پلیسی-ایدئولوژیکی از سوی رژیم، نگرانی‌های موجود نسبت به خطر احتمالی جنگ و نامعلومی آینده‌ی ایران پس از جمهوری اسلامی با توجه به وضعیت نابسامان اپوزیسیون و ناروشنی و ابهام در طرح‌ها و برنامه‌های آلترناتیوی آن‌ها... همه‌ی این عوامل در رکود وضعیت مبارزاتی کنونی تاثیر گذار می‌باشند.

امروزه، ضرورت تدارک زمینه‌های سیاسی، نظری و عملی برای اعتلای جنبش‌های اجتماعی در ایران و ضرورت سازمان‌یابی مجدد کنشگران سیاسی-اجتماعی با درس‌گیری از کمبودها و نارسایی‌های جنبش اعتراضی خرداد ۸۸، بیش از هر زمان دیگر احساس می‌شود. امروز فعالان اجتماعی بیش از هر چیز در برابر وظیفه‌ی مبرم بازبینی انتقادی فعالیت‌های خود در جنبش همگانی گذشته به منظور ابداع شیوه‌ها و شکل‌های مستقل دخالت‌گری اجتماعی در جنبش‌های آینده قرار دارند.

ما در جنبش جمهوری‌خواهان دموکرات و لائیک ایران برآنیم که وظیفه کنونی و اصلی اپوزیسیون آزادی‌خواه و مترقی خارج کشور، در آن بخشی که از رویکرد مداخله‌گری جنبش‌های اجتماعی به امر سیاست و سیاست‌ورزی می‌نگرد، عبارت است از هم‌کوشی نظری و عملی با فعالان اجتماعی در داخل و خارج کشور برای بازبینی، بازسازی و سازمان‌یابی جنبش‌های مدنی و انجمنی یعنی جنبش زنان، دانشجویان، کارگران و اقوام ساکن ایران. چگونگی این هم‌کوشی و هم‌گرایی با فعالان جنبش‌های مدنی و سیاسی-اجتماعی و دست‌یابی به راه‌کارهای مشخص برای اعتلای مجدد جنبش‌های اجتماعی در ایران را تنها می‌توان در فرایند رایزنی‌ها، همکاری‌ها و آزمون‌های کوچک و بزرگ، در چهارچوبی آزاد، دموکراتیک و برابری به تدریج فراهم، پیدا و به کار بست.

۳- برای گذار از نظام جمهوری اسلامی در ایران

با خروج بخشی از اصلاح‌طلبان حکومتی از قدرت، در پی جنبش اعتراضی 88، اختلافات و مناقشات درونی رژیم نه تنها رو به پایان نرفته بلکه شدت نیز یافته‌اند. بحران سیاسی حادی امروز حکومت اسلامی را فرا گرفته است. اختلافها و تضادها در درون جناح‌های حاکم میان بیت ولایت فقیه، دولت احمدی نژاد، نهادهایی چون مجلس اسلامی، سپاه پاسداران و روحانیت و در درون هر یک از این دستگاه‌ها بالا گرفته‌اند. با این که در گذشته نیز اختلافها در درون هیئت حاکمه‌ی اسلامی همواره وجود داشته‌اند اما این بار، بحران سیاسی بر سر مدیریت وضع نابهنجار و پیچیده‌ی کنونی بویژه با تحریم‌های روزافزون بین‌المللی باز هم شدیدتر شده است، به طوری که شکافهای ژرفتری را در سطح حاکمیت ایجاد کرده است. با این همه تجربه‌ی سی ساله‌ی جمهوری اسلامی نشان داده است که این سیستم برای حفظ و بقای خود همواره از توانایی حل اختلافات و مناقشات درونی از جمله از طریق سازمان دادن انتخابات در میان خود و در نتیجه جلوگیری از فروپاشی از بالا برخوردار بوده است.

اما امروز، افزون بر بحران سیاسی، یک بحران شدید اقتصادی نیز بر کشور و جامعه دامن گسترده است. در نتیجه‌ی سیاست‌های نابخردانه‌ی اقتصادی و مالی رژیم و ادامه‌ی ماجراجویی هسته‌ای‌اش، انزوای کشور و سقوط مناسبات متعارف اقتصادی و سیاسی ایران با جهان، اقتصاد ایران با نابهنجاری‌های فراوان و غیر قابل برون رفتی در شرایط کنونی مواجه شده است. بیکاری، گرانی و تورم به کاهش روزافزون قدرت خرید بخش عظیمی از مردم منجر شده‌اند و در نتیجه پیامدهای فاجعه‌باری برای بخش‌های وسیعی از مردم به‌ویژه زحمتکشان و اقشار متوسط در زمینه‌ی کار و کسب و گذران زندگی به بار آورده‌اند. این در حالی است که اقلیتی کوچک اما غارتگر با اتکا به مافیای دولت، سپاه پاسداران و نهادهای پر قدرت اسلامی صاحب ثروت‌هایی کلان با ارقامی نجومی می‌شوند. ناگواری شدید اوضاع کشور تا آن جا پیش رفته است که بسیاری از تولیدات، کارخانه‌ها و مراکز صنعتی تعطیل و حقوق‌های کارگران پرداخت نمی‌شوند. با اجرا درآمدن نسبی طرح یارانه‌ها و قانون آزاد سازی کامل قیمت‌ها باز هم از قدرت خرید مردم به‌ویژه اقشار کم درآمد کاسته شده است. تحریم‌های اقتصادی و ناروشنی وضع آینده کشور افت شدید تولیدات در حوزه صنایع را ایجاد کرده است. اقتصاد ایران بیش از پیش بیمار و متکی به رانت نفتی شده است که تولید و فروش آن به دلیل تحریم‌ها رو به کاهش می‌روند.

در همین حد نیز ثروت ناشی از فروش نفت به طور عمده به جیب مافیای صاحب قدرت سیاسی و انتظامی و بخش کوچکی از جامعه می‌رود.

بحران‌های سیاسی و اقتصادی رژیم خصلتی ساختاری دارند که از ماهیت نظام بر می‌تابند. اما مساله این‌جاست که از یکسو، این بحران‌ها به تنهایی نمی‌توانند رژیم را ساقط کنند و از سوی دیگر نیز ادامه‌ی زندگی چنین نظامی بحران‌زا و تخریب‌کننده کشور و جامعه را رو به قهقرا و نیستی می‌کشاند.

ما در جنبش جمهوری خواهان دموکرات و لائیک ایران برآنیم که مبارزه برای گذار از نظام جمهوری اسلامی از طریق اعتلای جنبش‌های اجتماعی و مبارزات مردم ایران مطلوب‌ترین راه خروج از بن بست اوضاع نابسامان اقتصادی، سیاسی و اجتماعی کنونی است. خواست ما این است که این نظام بیدادگر به شیوه‌ی مسالمت‌آمیز برچیده شود و برای آن مبارزه می‌کنیم؛ هرچند که کارنامه‌ی خشونت‌بار آن از وجود چنین ظرفیتی حکایت نمی‌کند. ما از شکلهای گوناگون جنبش‌های اعتراضی مردم علیه بیدادگری و ستم حمایت می‌کنیم و بر این باوریم که در نهایت، شکل گذار را قدرت حاکم به جنبش مردم تحمیل می‌کند. قیام علیه جباریت حق مردم است.

۴- برای مخالفت با سیاست هسته‌ای رژیم و حمله نظامی

هدف سیاست هسته‌ای رژیم جمهوری اسلامی، تبدیل خود به قدرتی نظامی با تسلیحات اتمی به منظور اعمال هژمونی بر منطقه است. استراتژی غرب در بحران هسته‌ای ایران، تلاش برای جلوگیری از دستیابی جمهوری اسلامی به سلاح هسته‌ای حتا حتا با تهدید به مداخله نظامی و توسل به جنگ است. اما هم مداخله نظامی و هم دستیابی رژیم به سلاح هسته‌ای آلترناتیوهای هستند که خطر تخریب و کشتار، خانه خرابی مردم، تقویت استبداد و سرکوب نیروهای ترقی‌خواه و دموکرات کشور را در بر دارد.

ما هرگونه حمله‌ی نظامی به ایران را ناقض استقلال کشور و به حق حاکمیت مردم ایران بر سرنوشت خود دانسته آن را به شدت محکوم می‌کنیم. ما بر این باوریم که کسب آزادی و دموکراسی در هر کشوری، از جمله در ایران، امر مردم آن کشور است و به دست خود آنان باید

انجام پذیرد.

در زمینه سیاست هسته‌ای رژیم، ما مخالفت خود را با غنی‌سازی اورانیوم توسط جمهوری اسلامی اعلام داشته آنرا مغایر با ارزشهای صلح‌جویانه و حفظ محیط زیستی می‌دانیم. در همین راستا ما نه تنها مخالفت خود را با ساخت سلاح اتمی اعلام می‌داریم بلکه مخالف ساخت هر گونه سلاح کشتار جمعی (میکروبی، شیمیایی و...) نیز هستیم. ما خواهان شکل‌گیری جهان و خاور میانه‌ای مبرا از سلاح اتمی هستیم.

امروزه تحریم‌های بین‌المللی ابعادی بی‌سابقه و گسترده یافته‌اند. با این که از طریق تحریم‌های هدفمند بهتر می‌توانند رژیم ایران را به پس‌نشستن از غنی‌سازی و ادار ساخت، اما با این همه خطر حمله نظامی به ایران به‌ویژه از سوی دولت اسرائیل را نمی‌توان منتفی دانست. مسئولیت تحریم‌های فزاینده که بار عمده آن بر دوش مردم سنگینی میکند و مسئولیت حمله‌ی نظامی به طور عمده متوجه حاکمان ایران است که بخش بزرگی از درآمدهای نفتی را به برنامه اتمی آشکار و پنهان خود اختصاص داده و به سیاست غنی‌سازی هسته‌ای خود با اهدافی نظامی ادامه می‌دهند.

روشن است که تحریم‌ها در شرایطی که دولت و سپاه پاسداران شریان‌های اقتصاد جامعه را در دست دارند تاثیرات زیان‌بار و مخربی بر اقتصاد بحرانی ایران و بدین وسیله بر زندگی و معاش توده مردم به‌ویژه اقشار تهیدست بر جای می‌نهند. اما چشم فرو بستن جامعه بین‌المللی بر سیاست هسته‌ای جمهوری اسلامی در منطقه و در نتیجه باز گذاشتن راه اتمی شدن این رژیم نیز پیامدهای منفی و مخربی برای مردم ایران در بر دارد.

[آلترناتیو 1: جنبش جمهوری‌خواهان دموکرات و لائیک ایران از تحریم‌های هدفمند شورای امنیت سازمان ملل در جهت وادار کردن جمهوری اسلامی به انصراف از غنی‌سازی هسته‌ای با اهدافی نظامی جانبداری میکند.]

[آلترناتیو 2: جنبش جمهوری‌خواهان دموکرات و لائیک ایران با تحریم‌های گسترده اقتصادی که دود آن به چشم مردم ایران میرود، مخالف است، اما از تحریم‌های هدفمند شورای امنیت سازمان ملل در جهت وادار کردن جمهوری اسلامی به انصراف از غنی‌سازی هسته‌ای با اهدافی نظامی جانبداری میکند.]

[آلترناتیو 3: تاکنون در جمهوری اسلامی اکثر قدرتهای بزرگ مالی و نظامی دنیا فعالیت‌های اقتصادی داشته اند، و بخصوص این نظام توسط آنان علیه مبارزات به حق مردم مجهز به ابزارهای مدرن سرکوب نیز شده است. اختلاف ما و مردم با جمهوری اسلامی از نوع اختلاف

قدرتهای بزرگ جهانی با نظام نیست. از اینرو ما ضمن مخالفت با دخالت سیاسی و نظامی کشورهای خارجی در امور داخلی ایران مخالفت خود را با غنی سازی اورانیوم و ساخت سلاحهای کشتارجمعی (اتمی شیمیائی و میکروبی) در ایران و جهان اعلام می داریم.]

۵- برای تحریم انتخابات فرمایشی دوره یازدهم ریاست جمهوری

بار دیگر در خرداد ماه آینده، نمایش مضحکهای به نام «انتخابات ریاست جمهوری» برای دوره یازدهم به روی صحنه خواهد آمد. این بار اما همه‌ی شواهد تا به امروز نشان می‌دهند که جناح‌های رقیب حاکم و سپاه پاسداران و در راس آنها بیت ولی فقیه نقشه‌ی انتخاباتی را از پیش کشیده‌اند که به هر ترتیب و بهایی تجربه‌ی شوم انتخابات ریاست جمهوری خرداد ۸۸ برای آنان تکرار نشود.

در آن انتخابات، برخورد خشن حاکمان جمهوری اسلامی تأکیدی بر سلطه بلامنازع بیت رهبری درسیاست‌های نظام بود. در آن انتخابات آنها حتی در میان جناح‌های خودی نیز پایبند به رعایت حقوق نامزدها چون دوران گذشته نشدند. گردانندگان نظام در جهت هر چه بیشتر بستن جامعه و سرکوب هرگونه مخالفت با تصمیم ولی فقیه قدم برداشتند و هر شکل مخالفتی را حتی در جبهه خودی‌ها سرکوب کردند.

از این رو این بار با انتخاباتی به مراتب محدودتر به برگزیدگان شورای نگهبان و غیر دموکراتیک‌تر از انتخابات دوره‌های پیشین روبه‌رو خواهیم بود.

تفاوت دیگر این دوره انتخابات با دوره‌ی دهم در نقشی است که اصلاح‌طلبان خارج از حکومت بازی خواهند کرد. اینان هم چون در گذشته بر سر دو راهی شرکت نامشروط یا شرکت مشروط در انتخابات قرار دارند. اما با توجه به سرکوب چهار سال اخیر، در بند بودن تعدادی از فعالان و رهبران‌شان و سخت‌گیری حاکمان، این بار می‌توان پیش‌بینی کرد که امکان شرکت اثرگذار آنها در انتخابات بسته می‌باشد. با این حال شرکت بخشی از اصلاح‌طلبان در انتخابات را نمی‌توان منتفی دانست.

جنبش جمهوری خواهان دموکرات و لائیک ایران مصمم‌تر از گذشته، با توجه به شرایط سیاسی و اجتماعی ایران، از تحریم انتخابات فرمایشی ریاست جمهوری جانبداری می‌کند. اهمیت این تحریم را زمانی بهتر درک می‌کنیم که تقلای مستمر جمهوری اسلامی در کسب مشروعیتی مردمی برای خود در درازای عمر تا کنونی‌اش را دریابیم. مستبدان اسلام‌گرای حاکم

بر ایران، از آغاز استقرار حکومتشان تا کنون، همواره خواسته‌اند به خود و جهانیان نشان دهند که از پشتیبانی مردم ایران برخوردارند. در نتیجه همواره می‌کوشند که رأی مردم در «انتخابات» مختلف، از جمله در مهمترین آن‌ها یعنی انتخابات ریاست جمهوری را به حساب «رأی داوطلبانه‌ی» مردم به حکومت اسلامی وانمود سازند تا از این طریق بتوانند هم در صحنه‌ی داخلی و هم در عرصه‌ی جهانی قدرت نمایی کنند. با دستی باز، در داخل کشور سلطه بر مردم را تشدید و خواست‌های دموکراتیک و آزادی خواهانه‌ی آنان را سرکوب کنند و در خارج از کشور سیاست‌های ماجراجویانه خود را بی‌پروا ادامه دهند.

ما بر این باوریم که شرکت در انتخابات فرمایشی دوره یازدهم ریاست جمهوری، به‌ویژه در شرایطی که این رژیم بیش از هر زمان دیگر هم در میان مردم ایران و هم در جهان منزوی و رسوا شده است، به ادعای مشروعیت مردمی آن یاری خواهد رساند. عدم شرکت گسترده مردم در انتخابات، بر عکس، نشانه‌ی مخالفت با استبداد و خواست آزادی و دموکراسی به سوی ایرانی‌رها از جمهوری اسلامی است.

۶- برای همکاری و همگرایی جمهوری خواهان

در ترسیمی کلان می‌توان اپوزیسیون مختلف و متکثر ایران را از رویکرد راه‌کارهای متفاوت سیاسی برای خروج از شرایط فعلی به سه دسته بر مبنای سه گونه «پروژه‌ی گذار» متفاوت تقسیم کرد.

یکی، پروژه «اصلاح دینی» رژیم است. این طرح که از سوی اصلاح‌طلبان مذهبی در ایران و خارج مطرح می‌شود در اساس می‌خواهد خصلت دینی نظام و قانون اساسی اسلامی آن را با اصلاحاتی جانبی حفظ کند. این طرح با نیروهای لائیک وارد ائتلاف یا اتحاد و یا حتی هم‌سویی نمی‌شود. این طرح به طور عمده می‌خواهد در چهارچوب نیروهای مذهبی (چه در اپوزیسیون رژیم و چه در درون آن) مبارزات خود را در جهت تغییراتی تدریجی با حفظ نظام جمهوری اسلامی ایران سازمان دهد.

دومی، طرح «وفاق ملی» است که هوادارانی در درون اپوزیسیون به‌ویژه در خارج از کشور دارد، از جناح‌هایی در میان جمهوری خواهان، چپ و هواداران سلطنت و مشروطه تا برخی شخصیت‌ها و چهره‌های سیاسی، طرفداران این طرح، برای ایجاد اتحادی که از اپوزیسیون رژیم تا

بخشهایی از حاکمیت را در برگیرد، فعالیت‌هایی را به‌ویژه در یک سال اخیر با برگزاری کنفرانسها انجام داده و می‌دهند. افرادی، هر چند اندک، از هواداران این طرح نیز خواهان قرار گرفتن در زیر چتر حمایتی قدرت‌های بزرگ خارجی از جمله ایالات متحده آمریکا برای پایان دادن به عمر جمهوری اسلامی از هر طریقی ولو جنگ و دخالت نظامی می‌باشند.

در مقابل دو طرح فوق اما طرح سومی قرار می‌گیرد که پروژه جمهوری‌خواهی، دموکراتیک و لائیک برای گذر از جمهوری اسلامی با اتکا به مبارزات و جنبش‌های اجتماعی در داخل کشور است. ما در جنبش جمهوری‌خواهان دموکرات و لائیک ایران طرفدار چنین طرح و راه‌کاری هستیم. این طرح، بر اساس اصولی چون جمهوری، دموکراسی، جدایی دولت و دین، حقوق بشر، عدالت اجتماعی و استقلال، همه‌ی جمهوری‌خواهان باورمند به این اصول را دعوت به همکاری و در صورت امکان هم‌گرایی و اتحاد می‌کند. ما بر این باوریم که برای پشتیبانی از مبارزات مردم در داخل کشور و تاثیرگذاری بر روند تحولات سیاسی، اپوزیسیون مترقی ایرانی در خارج از کشور نیاز مبرم یک نیروی بزرگ جمهوری‌خواهی در مبارزه با رژیم جمهوری اسلامی دارد. به منظور شکل‌دهی چنین نیرویی باید گفت و گوها، سمینارها و کنفرانس‌های جمهوری‌خواهی را پیرامون مسائل مورد اشتراک و اختلاف تدارک و سازمان داد. در این راه جنبش جمهوری‌خواهان دموکرات و لائیک ایران به سهم و توان خود از هیچ کوششی کوتاهی نخواهد کرد.

۷- مواضع بنیادی ما. انتخابات آزاد و راه‌کار مجلس مؤسسان

- در شرایط کنونی، اپوزیسیون دموکرات، جمهوری‌خواه و مدافع جدایی دولت و دین در ایران باید هم‌چنان و بیش از گذشته بر بنیادها، اصول و اهداف مبارزه‌ی خود ایستادگی و پافشاری کند. این‌ها عبارتند از: مبارزه برای آزادی‌های مدنی در ایران؛ مبارزه برای رشد و گسترش جنبش‌های اجتماعی- سیاسی و پشتیبانی از آن‌ها؛ مبارزه برای دفاع از حقوق بشر و میثاق‌های دموکراتیک بین‌المللی؛ ترویج اصول دموکراسی و توضیح مضمون بدیل جمهوری مورد نظر که مبتنی بر جمهوریت، دموکراسی، لائیسیت، عدالت اجتماعی، برابر حقوقی و استقلال است.

- در شرایطی که قشرهای وسیعی از شهروندان ایران به‌ویژه جوانان

بیش از پیش روی به افکار و ایده‌های مدرنیته و از جمله جدایی دولت و دین می‌آورند، نیروهای جمهوری‌خواه و لائیک وظیفه دارند که به تبلیغ و ترویج این افکار و ایده‌ها به‌ویژه لائیسیته و ضرورت تحقق آن‌ها در ایران پردازند. لائیسیته ترجمان شفاف و بدون ابهام مفهوم «جدایی دولت و دین» در سه رکن اساسی آن است. یکم، به معنای استقلال و خودمختاری دولت و بخش عمومی و به طور مشخص سه قوای مجریه، مقننه و قضایی از دین، احکام و دستگاه آن یعنی شریعت و روحانیت است. دوم به معنای آزادی به باورهای دینی و غیر دینی و اعمال فردی یا جمعی آن‌هاست. سوم به معنای عدم تبعیض چه مستقیم یا غیر مستقیم نسبت به افراد، بدون در نظر گرفتن اعتقادات مذهبی، رنگ پوست، خاستگاه، عقیده، جنسیت و ملیت آن‌هاست.

- دولت جمهوری اسلامی ایران و نهادهای مختلف آن، به‌ویژه در چند سال اخیر، بی‌توجه نسبت به بقای نسل‌های آینده کشور، دست به تخریب بی‌پروای محیط زیست در شهرها، شهرستان‌ها و مناطق مختلف ایران می‌زنند. ما برآنیم که پاسداری از طبیعت و محیط زیست، چه در رفتارهای فردی و چه در سیاست‌های کلان اجتماعی و بهره‌وری اقتصادی، همزیستی با طبیعت در فرایند رشدی پایدار و سازنده، جایگزینی منابع انرژی کنونی چون نفت، چگونگی پایان دادن به سلطه یکجانبه بهره‌کشی ویرانگر از طبیعت و محافظت از محیط زیست و طبیعت چالش بزرگ پیش‌روی جامعه‌ی ما در امروز و فردای آن است.

- امروزه، بخش‌هایی از اپوزیسیون و بیش از همه در خارج از کشور از راه‌کار «انتخابات آزاد» چون شعار اصلی و تعیین‌کننده نام می‌برند. اصل انتخابات آزاد و دموکراتیک به عنوان یکی از ارکان بنیادین جمهوری و دموکراسی در برابر استبداد و دین‌سالاری همواره مورد تأکید و دفاع ما در جنبش جمهوری‌خواهان دموکرات و لائیک ایران قرار گرفته و می‌گیرد. انتخابات آزاد یکی از مطالبات اصلی شهروندانی بود که در جنبش اعتراضی ۸۸ خواهان پایان‌دادن به دیکتاتوری و استقرار آزادی‌های مدنی در ایران شدند. اما در جمهوری اسلامی ایران انتخابات برای نهادهایی سرپا دینی و تبعیض‌آمیز و تحت قوانینی به همان‌سان دینی و تبعیض‌آمیز که پایه‌ای‌ترین‌شان قانون اساسی اسلامی است انجام می‌پذیرند. انتخابات آزاد در ایران در شرایطی امکان‌پذیر است که از یکسو جنبش‌های سیاسی- اجتماعی مردم بتوانند تناسب قوایی به سود خود ایجاد کنند که حاکمیت جمهوری اسلامی قادر نشود به میل خود و بنا بر قانون اساسی‌اش عمل کند و از سوی دیگر وضعیتی چون آزادی‌های اجتماعی و مدنی، حقوق و امکانات

برابر برای شرکت همه‌ی سازمان‌ها و گروه‌ها در انتخاباتی آزاد و دموکراتیک فراهم باشد. هیچ‌یک از این الزامات اما در جمهوری اسلامی ایران حتا در ابتدایی‌ترین عرف بین‌المللی وجود ندارد.

- شعار اصلی راه‌کاری ما در جنبش جمهوریخواهان دموکرات و لائیک ایران، مبارزه برای استقرار جمهوری و دموکراسی در ایران بر پایه‌ی جدایی دولت و دین از طریق تشکیل مجلس مؤسسان مردم است. به باور ما روند رشد و اعتلای مبارزات مردم ناگزیر راه‌حل تشکیل مجلس مؤسسان مردم از طریق انتخاباتی آزاد و دموکراتیک برای تدوین قانون اساسی جدید را مطرح خواهد کرد. فرایند تبلیغ و ترویج این راه‌کار در عین حال کمک به رشد آگاهی اجتماعی نسبت به ضرورت تغییرات اساسی ساختاری در ایران و مضمون آن‌چه که باید جایگزین نظام کنونی شود خواهد کرد.